

۳۰ هزار پیوند کلیه در ۴۷ سال

سپید: خاطره جالبی راجع به اولین پیوند دارید؟

بله. آن اوایل همیشه می‌خواستیم پیوندی را انجام دهیم که دهنده کلیه به بیمار از قوم‌خویش درجه یک مریض باشد. اکثر هم مادرها با فداکاری کلیه به فرزند می‌دادند اما خوب پایدار نبود گاهی ۹ ماه گاهی ۲ یا ۳ سال کلیه کار می‌کرد و بعد از کار می‌افتاد اما خاطره جالب من مربوط به دهنده

کلیه‌ای بود که این بیمار بر اثر تصادف مرگ مغزی شده بود و البته واقعا مغزی هم نمانده بود و کلا متلاشی‌شده بود و فوت کرده بود، ما به سرعت کلیه ایشان را برداشتیم و پیوند زدم به یک بیمار و این ماجرا برای اولین بار بود که عضوی از یک جسد به مریضی دیگر پیوند زده می‌شد و جالب اینکه این کلیه ۱۷ سال برای بیمارش کار کرد و این مریض بعدها بر اثر یک بیماری دیگر از دنیا رفت در

حالی که کلیه پیوندی همچنان مشغول به کار بود.
سپید: اسامی اولین تیمی که با هم پیوند کلیه را انجام دادید یادتان هست؟

بله. تیم ما شامل خودم بود که پیوند انجام می‌دادم، دکتر مهربان صمیعی که کلیه را از بدن بیمار خارج می‌کرد، دکتر نوری قهرمان که دکتر داخلی بود و مرحوم دکتر لطفی که استاد بیهوشی بود.

سپید: آمار دقیقی از پیوندهای کلیه در ایران وجود دارد؟
بله. حدودا ۳۰ هزار پیوند موفق کلیه در طول ۴۷ سال به ثبت رسیده که بیشتر به همت دانشجویانم بوده است که متعهد

شدند این علم را از بنده فراگیرند و بعد به دانشجویانشان منتقل کنند. در ایران اورولوژی پیشرفت آنچنانی نداشت، در حد یک عمل سنگ کلیه یا مثانه بود و اصلا چیزی به نام اورولوژی کودک وجود خارجی نداشت.

سپید: چند سال در دانشگاه مشغول به تدریس بودید؟
بنده ۲ سال در دانشگاه شیراز تدریس کردم؛ از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۲ به تدریس در دانشگاه شهدای تجریش مشغول بودم و بعد هم وارد بخش خصوصی شدم، البته این بدان مفهوم نیست که علم اورولوژی را رها کرده باشم، آن زمان در اکثر سمینارها به‌عنوان سخنران شرکت می‌کردم و بعدها

هم به‌عنوان رئیس انجمن اورولوژی انتخاب شد که انجمن اورولوژی ایران وابسته به انجمن اروپاست، ما سال گذشته انجمن اورولوژی آمریکا کیش با حضور ۷۰۰ نفر اجرا کردیم.
سپید: ورودتان به بخش خصوصی در کدام بیمار ورود من به بخش خصوصی با بیمارستان البر وصال شیرازی شروع شد و بعد هم که بیمارستان و در نهایت بیمارستان مهراد را پایه‌گذاری کرد
سپید: به گذشته که نگاه می‌کنیم از زندگی‌تان راه خیلی زیاد. من اساسا آدم متخصصی در پزشکی

باسید محمدسنادی زاده پیش

دستانی که ۴۸ سال پیش



📷 الهام نقدی

حمیده طاهری

سیدمحمد سنادی زاده ۸۳ ساله اولین کسی است که سال سال ۱۳۴۷ یعنی ۴۸ سال پیش اولین پیوند کلیه را در ایران انجام داد. پیوندی که در بیمارستان نمازی شیراز انجام شد و هرچند بنا به دلایلی چند سالی به تعویق افتاد اما سرآغاز فصل جدیدی در پزشکی ایران شد که طی ۴ دهه توانست ایران را تبدیل به یکی از برترین و موفق‌ترین کشورهای جهان در زمینه پیوند کلیه کند. داستان پیوند اعضا داستان دردناک و پرتناقضی است که باوجود تمام تلاش‌های سال‌های اخیر در فرهنگ‌سازی اما هنوز آمارها می‌گوید که فقط ۳۷ درصد خانواده‌ها به پیوند رضایت می‌دهند. سال ۸۴ آمار رضایت خانواده‌ها برای اهدای عضو ۵ درصد بود اما با تمام تلاش‌های انجام‌شده آمار کشوری ۳۷ درصد شده است.

در ایران سالانه حدود ۲۵۰۰ پیوند کلیه انجام می‌شود که دوسوم آن پیوند از زنده به زنده است و یک‌سوم از مرگ مغزی است. همچنین حدود ۵۰۰ پیوند کبد در سال از مرگ مغزی انجام می‌شود حدود ۸۰ پیوند قلب سالانه از مرگ مغزی انجام می‌شود. ۱۵ تا ۲۰ پیوند ریه و نزدیک به ۲۰ پیوند لوزالمعده سالانه در کشور ثبت می‌شود. نارسایی کلیه که در نهایت بیمار را محتاج به پیوند می‌کند، روند رو به افزایشی دارد. در ایران آمار دقیقی از علل نارسایی کلیه نداریم ولی گفته می‌شود بیشترین علل ابتلا به این بیماری دیابت و فشارخون بالاست. در سال ۱۳۷۷، آمار مبتلایان به نارسایی کلیه در ایران ۱۳۷ نفر به ازای هر یک میلیون نفر بود ولی این عدد ۱۰ سال بعد به ۴۳۵ نفر به ازای هر یک میلیون نفر رسید. افزایش ۵ درصدی بیماری‌های کلیوی در کشور فقط مربوط به بیماران کلیوی شناسایی شده و تحت درمان است. آمار پیوند کلیه در ایران نسبت به جهان بالاست که نشان‌دهنده پیشرفت خوب کشور در درمان این بیماری‌هاست. در حال حاضر ۴۸ درصد بیماران کلیوی در کشورمان پیوند کلیه می‌شوند ولی این رقم در جهان ۲۰ درصد است.

بنا به گفته وزیر بهداشت تاکنون در کشور ۴۳ هزار پیوند کلیه، ۴۰۰۰ پیوند کبد، ۸۰۰ پیوند قلب، ۱۳۳ پیوند ریه و بیش از ۸۰۰۰ پیوند مغز استخوان داشته‌ایم. همچنین در حوزه چشم‌پزشکی سالانه ۵۰۰۰ پیوند در کشور انجام می‌شود که باید از مراجعی که این فرصت را فراهم کردند، تشکر کرد.

هاشمی در یکی از مصاحبه‌هایش گفت: «سراغ ندارم که جز ایران در کشورهای اسلامی مجوز اهدای عضو را داده باشند. بر این اساس بر روح امام راحل درود می‌فرستیم که با همت بلندشان در این زمینه صف‌شکنی کردند و در دوران دفاع مقدس فتوای اهدای عضو را دادند و مقام معظم رهبری نیز در این زمینه راهگشا بوده‌اند که این موضوع بی‌نظیر است؛ چراکه برخی کشورها از وضعیت پیوند در کشورشان گلابه دارند، به‌طوری که از سوی برخی کشورها اعضای در اختیارشان قرار داده می‌شد که موفقیت پیوند را به حداقل می‌رساند.»
حالا ۳۷ سال از اولین پیوند در ایران می‌گذرد، راه پرفرازونشینی که یکی از برگه‌های زرین و کارنامه قابل دفاعی برای جامعه پزشکی است. پای صحبت‌های کسی نشستیم که جرأت و جسارت و مسئولیت اولین پیوند کلیه را پذیرفت و حالا با افتخار از راهی می‌گوید که افقی روشن دارد.

همه اساتید عالی بودند، شاید نشود به‌صورت شاخص از یک استاد نام برد اما سال سوم پزشکی استاد نظام مافی بیشترین تاثیر را روی بنده داشتند، ایشان متخصص داخلی و غدد بودند، ویژگی‌ای که باعث جذب بنده به ایشان شد، جدی بودنشان در کار و همچنین علاقه وافر ایشان به پزشکی بود. ایشان در دانشگاه پتربورگ پنسیلوانیا تحصیل کرده بودند و وقتی بنده این موضوع را با ایشان در میان گذاشتم که علاقه‌مندم برای تحصیل به آمریکا سفر کنم ایشان انگیزه‌ای شدند که بیشتر درس بخوانم و راه و روش را به بنده نشان دادند. برای من یک توصیه‌نامه نوشتند و دوست ایشان هم که در آمریکا هم‌کلاسی‌شان بود بعدها کمک فراوانی

اولا که دانشجویها همه بسیار درس‌خوان بودند و البته اساتید بسیار مجرب هم مشغول به تدریس بودند که بیشترشان تحصیل کرده کشور فرانسه بودند، ظرفیت ورود به رشته پزشکی بسیار پایین بود، حدودا هر سال ۱۰۰ نفر پذیرفته می‌شدند در حالی که همان سال برای این رشته ۵ هزار نفر تقاضی وجود داشت و یک نکته مهم دیگر اینکه انگیزه‌ها برای تحصیل در این رشته انگیزه مادی نبود بلکه تقاضی‌ها این رشته را برای خودش دوست داشتند و درآمد زیاد برایشان مطرح نبود، باور کنید ما در دوران دانشجویی اصلا به این چیزها فکر نمی‌کردیم.
سپید: استادی که بیشترین تاثیر را روی شما گذاشت که بود؟

به من کردند.
سپید: مستقیم وارد دانشکده پزشکی شدید؟
طب آمریکا آن زمان این‌گونه بود که ۳ سال باید دروس پایه را می‌خواندیم و ۴ سال هم دروس پزشکی را بعد وارد دوره انترنی می‌شدیم. من می‌توانستم مستقیم وارد دوره تخصص شوم اما ترجیح دادم دوباره از دوره انترنی شروع کنم، بعدها این تصمیم به نفع تمام شد و هم دید گسترده‌تری در پزشکی به من داد و هم گزینه‌های پیش رو برای ادامه تحصیل را برابم بازتر کرد، همان‌طور که در جریان هستی زمانی انترن بودم که باید در بخش‌های مختلف دوره می‌گذرانیدم، بخش اورولوژی برای من مثبت و جذاب بود،

روزگار به‌گونه‌ای رقم خورد که حمایت پدر و دعاهای مادرم تمرینش بود، مادر بنده فرد بسیار متدینی بود که نماز شبشان هیچ‌وقت ترک نشد و به اعتقاد بنده هر آنچه ما داریم از نمره دعاهای ایشان بود.
سپید: خب دوران دانشجویی در شهر غریب چطور بود؟
سال ۱۳۳۳ وارد دانشکده پزشکی تهران شدم و سال ۱۳۳۹ فارغ‌التحصیل شدم. دوران تحصیل همچنان نزد پدر بزرگ در تهران به سر می‌بردم، سال ششم پزشکی بود که برای دوره تخصص و ورود به دانشگاه پتربورگ آمریکا امتحان دادم و قبول شدم.

سپید: شرایط و امکانات تحصیلی دانشگاه تهران آن سال‌ها چطور بود؟

